گزارش خبر
NEWSREPORT

کد خبر: ۴۷۴۶۴۴
دوشنبه ۱ مرداد ۱۴۰۳ ۹:۳۳

یادداشتی به قلم" محمدمهدی اسدزاده

برگشت مصدق به نخست‌وزیری، و قیام سی تیر را باید نقطه عطفی در تاریخ مردم‌سالاری ایرانیان

ناخودآگاه به گاهشمار روی میزم نگاه می‌کنم... هیچ مناسبتی را برای امروز ننوشته است. به گاهشمار دیگری نگاه می‌کنم؛ باز هم مناسبتی نوشته نشده است... نرم‌افزار گاهشمار گوشی همراه خود را نگاه می‌کنم؛ تنها چیزی که برای امروز نوشته شده این است: روز بزرگداشت آیت‌الله سید ابوالقاسم کاشانی...

به گزارش خبرنگاران گروه جامعه گزارش خبر، «محمدمهدی اسدزاده» در یادداشتی به عنوان «برگشت مصدق به نخست‌وزیری، و قیام سی تیر را باید نقطه عطفی در تاریخ مردم‌سالاری ایرانیان» به خبرگزاری گزارش خبر آورده است؛

ناخودآگاه به گاهشمار روی میزم نگاه می‌کنم… هیچ مناسبتی را برای امروز ننوشته است. به گاهشمار دیگری نگاه می‌کنم؛ باز هم مناسبتی نوشته نشده است… نرم‌افزار گاهشمار گوشی همراه خود را نگاه می‌کنم؛ تنها چیزی که برای امروز نوشته شده این است: روز بزرگداشت آیت‌الله سید ابوالقاسم کاشانی…

با خود می‌اندیشم که مگر چند سال از آن روز خونین ملی گذشته است که گاهشمارهای کشور انقلابی، آن را ننوشته‌اند و به‌دست فراموشی سپرده‌اند.

۷۰ سال پیش، نسلی که امروز بالای ۸۰ سال از زندگانی را پشت سر گذاشته‌اند، روزی را به یاد می‌آورند که خروش مردمی، دستگاه ستم‌شاهی خشنی را وادار به شنیدن و پذیرفتن خواست مردمی کرد که در روز ۳۰ تیر ۱۳۳۱، در برخی از شهرها برای مانایی سخنش، با تانک از روی مردم می‌گذشت.

مهندس رجبعلی طاهری درباره این روز می‌گوید: «با ملی شدن صنعت نفت، دو جریان شاه‌دوستان و توده‌ای‌ها به دو سبک گوناگون، دست به تمسخر و سنگ‌اندازی برای ناکارآمدسازی دولت ملی مصدق زدند. این رفتارها مصدق را برآن داشت تا برای نگه‌داری از آنچه دست‌آورد جنبش بود، از شاه درخواست افزایش اختیارات کرد؛ این درخواست زمینه برکناری او در روزهای پایانی تیرماه ۱۳۳۱ شد.

با برکناری مصدق و نخست‌وزیری قوام‌السلطنه، این مردم بودند که با رهبری آیت‌الله سید ابوالقاسم کاشانی، در پشتیبانی از مصدق به خیابان آمدند. در پی این درخواست آیت‌الله کاشانی، احزاب و چهره‌های ملی و مذهبی پشتیبانی خود را از مصدق اعلام کردند.

در کازرون نیز حزب مردم ایران که ما از آنان بودیم و حزب ایران، راهپیمایی بزرگی را در میدان خیرات (میدان شهدای کنونی)، برپا کردیم. از آغاز روز، مردم افزوده می‌شدند. با افزوده شدن مردم، شعارهای سیاسی حزبی کم‌کم رنگ باخت و شعارهای ملی جای آن را گرفت. چند تن سخنرانی کردند. کسانی بین مردم و تلگراف‌خانه در رفت و آمد بودند. نزدیکی غروب که شد، از تلگراف‌خانه خبر آمد که شاه، مصدق را به نخست‌وزیری برگردانده است. پس از خوانش تلگراف برگشت مصدق به نخست‌وزیری، فریاد شادی مردم، از هر گوشه شهر برخواست. آن لحظه انگار تمام دنیا را به مردم داده بودند.»

برگشت مصدق به نخست‌وزیری، و قیام سی تیر را باید نقطه عطفی در تاریخ مردم‌سالاری ایرانیان دانست. (هفته‌نامه شهرسبز؛ تیرماه ۱۳۸۹)

مهرداد خدیر، برپایه پژوهش خود در آرامستان ابن بابویه تهران که شهدای ۳۰ تیر ۱۳۳۱ در آن به خاک سپرده شده‌اند، شهدای آن روز تهران را دست‌کم ۲۵ تن می‌داند. (سایت خبری تحلیلی عصر ایران؛ ۳۰ تیر ۱۳۹۸)

حزب جمهوری اسلامی در نخستین سالروز ۳۰ تیر پس از پیروزی انقلاب اسلامی، کتابچه‌ای از گزارش‌های شفاهی و نوشتاری از خیزش مردمی ۳۰ تیر ۱۳۳۱ را در شهرهای کشور، به چاپ رسند. در این کتابچه به کشتار مردم در اهواز و کرمانشاه با تانک و له شدن برخی از مردم زیر شنی تانک‌ها اشاره شده است.

می‌توان گفت در این خیزش که تا پیش از انقلاب اسلامی در تاریخ ایران از دیدگاه مردمی بودن، بی‌همتا بود، تقریباً همه احزاب و گروه‌ها شرکت داشتند و بیشینه چهره‌های سیاسی، فرهنگی و عقیدتی با گرایش‌های گوناگون، به هواداری مصدق در این کارزار حضور پیدا کردند؛ بزرگی این رخداد در سراسر کشور تا آنجا بود که شاه، قوام و سرسپردگان‌شان شکست خود را به چشم دیدند و به شب نرسیده، تن به خواست مردم دادند.

این خیزش تا آنجا بزرگ بود که پس از پیروزی، برخی همچون شهید دکتر سید حسین فاطمی، بار دیگر سخن از جمهوریت و فداییان اسلام، بحث‌هایی درباره حکومت اسلامی و فروپاشی شاهنشاهی را بیان کردند.

پیروزی خیزش ۳۰ تیر دو دستاورد بزرگ داشت؛ یکی درونی و دیگری بیرونی. دستاورد درونی، به لرزه در آوردن پایه‌های شاهنشاهی بود و دستاورد بیرونی، به لرزه درآوردن پایه‌های استعمار.

اکنون آیا سزاست که چنین جنبش و خیزش مردمی با آن دستاوردهای بزرگ چنین به وادی فراموشی سپرده شود تا آن‌جا که در گاهشمارها نامی از آن

نباشد؟ و در برخی دیگر تنها به بزرگداشت رهبر مذهبی این جنبش اشاره شود و از دیگر رهبران جنبش همچون دکتر محمد مصدق، دکتر سید حسین فاطمی، دکتر حسین مکی، مظفر بقایی و… هیچ نامی برده نشود؟